



بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس هشتم - 21 / خرداد / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خیر مقدم عرض می‌کنیم به برادران و خواهران عزیز نماینده دوره هشتم مجلس شورای اسلامی! به عرصه بسیار حساس و پرشکوه تدبیر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی خوش آمدید و امیدواریم که در این صحنه بسیار مهم و حساس و پر اجر، در مدت دوران نمایندگی خودتان - در این چهار سالی که در پیش دارید - بتوانید کتاب ابرار را - که "ان کتاب الابرار لفی علیین" - انشاءالله برای خودتان تحصیل کنید و نزد کرام الکاتبین پرونده پر بار و افتخارآمیزی به جا بگذارید. از جناب آقای دکتر لاریجانی ریاست محترم مجلس که بیانات پخته و وزینی را بیان فرمودند، تشکر می‌کنیم.

* احساس تکلیف يك اصل است!

آنچه که به نظر من در این دیدار و امثال این دیدار در درجه اول اهمیت قرار دارد، اینست که ما در این نقطه ای که به عنوان مسئول حضور داریم، خودمان را در مقام عبودیت پروردگار و در محضر خداوند و مسئول در مقابل تکالیف الهی احساس کنیم؛ این اصل قضیه است.

همه اختلاف نظرها و اختلاف سلیقه‌ها و انگیزه‌های گوناگون معقولی که هر کسی آنها را داراست، ممکن است با انگیزه‌های معقول دیگری متفاوت باشد. این مثل جریان‌های متفاوتی که وارد يك دریای آرام و مستقر، يك دریاچه امن و امانی بشوند، در اینجا به هم می‌پیوندند. اگر بتوانیم این محیط امن و صفای معنوی را در عرصه کاری خودمان به وجود بیاوریم، این بهشت معنوی را برای خودمان تدبیر کنیم و فراهم بیاوریم، بقیه مسائل چندان اهمیتی ندارد، خیلی مشکلی درست نمی‌کند؛ اصل قضیه اینجاست؛ این را باید حل کرد.

نظام جمهوری اسلامی اساساً برای پاسخ به دعوت پیامبران تشکیل شده که محور اساسی آن عبارتست از رساندن انسان به تکامل معنوی، که این ممکن نخواهد شد جز در سایه ایجاد يك دنیای برخوردار از حسنات و معروف‌هایی که برای انسان‌ها زندگی را قابل تحمل و لذت بخش بکند که از اساسی‌ترین آنها هم عدالت است. بنابراین تشکیل جامعه عادلانه يك هدف است، اما این هدف، هدف میانه است.

ما می‌خواهیم به جامعه عادلانه الهی، جامعه اسلامی دست پیدا کنیم برای اینکه در سایه این نظام الهی بتوانیم خودمان را به تکامل برسانیم؛ خودمان را به نقطه امن و امان برسانیم.

مساله عالم پس از مرگ و حیات حقیقی - "و ان الدار الاخرة لهی الحيوان" حیات واقعی، حیات بعد از عبور از این مرحله زندگی است - تأثیر زیادی در تنظیم اعمال و رفتار و کارهای ما دارد. همین آیاتی که الان تلاوت شد؛ "قل ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم و اهلبيهم يوم القيامة الا ذلك هو الخسران المبين"؛ خسران واقعی این است. از دست دادن مال، از دست دادن جان، از دست دادن عزیزان، از دست دادن لذات زندگی، خسارت‌هایی است که بر انسان در این دنیا وارد می‌شود، اما خسارت‌های حقیقی اینها نیست. گاهی همین چیزها که به نظر ما خسارت و فقدان می‌آید، از دست دادن چیزی می‌آید، وسیله ای است که ما را از آن خسارت بزرگ، از آن خسارت حقیقی محفوظ نگه می‌دارد. لذاست که در دنیای مادی، در این زندگی ای که ما مأمور به انجام کار و تلاش و مجاهدت در آن هستیم، مساله بردن و باختن و جلو افتادن و عقب افتادن و وجهه پیدا کردن و وجهه پیدا نکردن و محبوب شدن و از چشم‌ها افتادن و اینها، مسائل کاملاً درجه دو و مسائل فرعی به حساب می‌آید؛ اصل قضیه آن امر حقیقی است، که آنهم با عمل به تکلیف الهی به وجود می‌آید.

* چه بر شما واجب است، آن را انجام بدهید؛ چه بر شما حرام است، آن را ترك کنید!

بنده در دوران ریاست جمهوری از یکی از بزرگانی که مورد احترام و اعتقاد ما همیشه بود، درخواست کردم که يك



نصیحتی به ما بکند، یک دستوری، سفارشی به ما بدهد. آنچه که ایشان برای من در جواب نوشتند، این بود که نگاه کنید، ببینید چه بر شما واجب است، آن را انجام بدهید؛ چه بر شما حرام است، آن را ترک کنید؛ چه چیزی مشتبه است، مراقبت کنید. خیلی به نظر مطلب عادی و ساده همه کس دان و همه کس فهمی به حساب می آمد، ما هم اول که نگاه کردیم، گفتیم خوب، اینها را که ما بلد بودیم؛ بعد که دقت کردیم، دیدیم نه، اصلا تمام حرف همین است؛ سنگ تمام همین است.

نگاه کنیم سخت ترین کارها هم برای انسانی که نتواند مهار نفس را به دست بگیرد، نتواند بر خواهشها غلبه کند، همین است. نگاه کند ببیند تکلیف چیست، حقیقتا تکلیف را جستجو کند. وقتی تکلیف را تشخیص داد، آنرا با شجاعت، با قاطعیت، با روی باز، با رضایت خاطر، با عدم واهمه از پیامدهای دنیوی - که اگر این را بگویم، اگر این موضع را بگیرم، اگر اینجور مشی کنم، فلان کس چه خواهد گفت، فلان کس چه موضعی خواهد گرفت، آینده من چه خواهد شد، بدون این ملاحظات - انجام دهد.

اگر ما نتوانیم بر نفس خودمان، بر خواهشهای خودمان فائق بیاییم، سخت ترین کارهاست و همین سخت ترین کارهاست که ما را به برترین اوجها و قله ها می تواند برساند. اصل، این است؛ اساس، این است.

* مجلس تهیه کننده نرم افزار حرکت کشور است

یک وقت انسان توی یک مدرسه ای دارد تدریس می کند؛ مثل بنده طلبه ای که توی یک حجره ای، توی یک مدرسی یا درس می خوانم یا درس می دهم، یا توی یک دانشگاهی یا توی یک کارگاهی یا در مدیریت یک شرکتی هستم، یا امامت یک مسجدی را دارم که یکجور مسئولیت بر دوش انسان هست؛ یک وقت این است قضیه و یک وقت هم این است که انسان در موضع بسیار حساس قانونگذاری برای یک کشور و برای یک ملت قرار می گیرد.

همانطور که عرض کردیم، این قانونی که شما دارید تنظیم می کنید، در واقع نرم افزار حرکت عظیم این کشور است؛ یک کشور، یک ملت، هفتاد میلیون جمعیت که فی نفسه یک چیز بسیار خطیر و بسیار عظیمی است، در هر کجای دنیا که باشد، با هر جور مردمی که باشد، مسئولیت سنگینی است، لیکن در شرایط ما مساله از اینها بالاتر است؛ مساله این است که همین کشور شما، این انقلاب شما، این نظام جمهوری شما، راه نویی را در برابر پای بشر امروز گشوده است؛ اینها تعارف نیست، اینها عمق و متن تفکری است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بر اساس آن تشکیل شده است.

دنیای امروز - نگاه کنید به اطراف دنیا، نگاه کنید به نظامهای اقتصادی - بر پایه نجات انسان تشکیل نشده؛ این چیزی نیست که امروز احتیاج به برهان و استدلال داشته باشد. به قله های رفیع تمدن امروز یا دمکراسی های رایج و نامدار امروز نگاه کنید و ببینید دعواها در آنجا بر سر چیست؛ نظامها بر محور و بر روی کاکل چه کسانی و چه چیزهایی دارند حرکت می کنند و می چرخند؛ چقدر برای انسان، برای کرامت انسان، برای انسان بما هو انسان ارزش قائلند و دل می سوزانند؛ چقدر برایشان حقوق ملتها ارزش دارد و می توان از حدود حقوق خود در تجاوز به حقوق دیگران کاست و مانع از تجاوز به حقوق دیگران شد. ببینید در دنیا این حرفها چقدر محور تحرك و فعالیت و فکر انسانهاست؛ خبری از این چیزها نیست.

امام یک وقتی فرمودند بعضی منتظرند که دنیا پر از ظلم و جور بشود تا امام زمان بیاید؛ بعد ایشان فرمودند دنیا امروز پر از ظلم و جور است، مگر نمی بینید در دنیا چه می گذرد؟ مگر نمی بینید با ملتها چه می شود؟ مگر نمی بینید با انسانیت چه جوری دارد رفتار می شود؟ مگر نمی بینید عدالت چگونه بکلی در انزواست؟ نمونه های فراوان هرروزه همیشگی همه جایی این ظلم و جور را انسان دارد در دنیا مشاهده می کند. نظام جمهوری اسلامی فریاد رسا و بلند و متکی به تفکری است که در قبال این حرکت عظیم و وحشیانه و کورکورانه بلند شده؛ یک چنین مساله ای است.



* چالش ما با نظام مسلط بر دنیا به این معنی نیست که حالا تفنگ دست گرفته و با نظام‌های دنیا بجنگد! اینکه گاهی از بعضی زبان‌ها شنیده می‌شود - که درست است - که ما با نظام مسلط بر دنیا چالش داریم و مساله داریم، يك واقعیت است. طبیعت اسلام این است: "فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى". این معنای اسلام است. یعنی ایمان بالله به تنهایی کافی نیست؛ کفر به طاغوت، مقدمه صحت و صداقت و قبولی ایمان بالله است. کفر به طاغوت یعنی چه؟ یعنی همین نظام‌های سلطه موجود در دنیا. این معنایش این نیست که جمهوری اسلامی ایران حالا تفنگ دست گرفته است که راه بیفتد این طرف و آن طرف، با نظام‌های دنیا بجنگد؛ نه، اینکه خیلی ساده لوحانه است. بحث بر سر مطرح شدن يك فکر نو، يك راه نو در مقابل بشر است؛ مثل دعوت انبیاء. دعوت انبیاء همین جور است؛ "الذین یبلغون رسالات الله". اصل قضیه در دعوت انبیاء، تبلیغ است؛ برسانند. این "رساندن"، راه‌های مختلفی دارد، یکی از بهترین راه‌هایش اینست که يك مجموعه مبتنی بر این تفکر به وجود بیاید و بتواند نشانه‌های بارز این تفکر را در خودش جمع کند و آنرا در مقابل جهانیان بر سر دست بلند کند؛ این کاری که جمهوری اسلامی در صدد است بکند، این است. يك نظام اسلامی عادلانه مبتنی بر تفکرات اسلامی به وجود بیاوریم، این را بلند کنیم سر دست بگیریم، به دنیا نشان بدهیم. هیچ لزومی ندارد که لشکرکشی به جایی انجام بگیرد یا نسبت به نظام‌های گوناگون با تحرك نظامی به شکل‌های مختلف برخورد شود؛ مطلقاً لازم نیست. همین کافی است که این را نشان بدهیم. شما ببینید آن روزی که امام این فریاد رسا را بلند کرد، چنان این فریاد در اعماق دل ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان در موارد زیادی نفوذ کرد و طرفدار پیدا کرد که هیچ تبلیغی از طرف ما نمی‌توانست - تبلیغات کتابی و نوشته‌ای و سخنرانی - اینجور این پیام را به دنیا برساند؛ به دل‌ها منتقل کند. طبیعت این فریاد، طبیعت این بیان و این عرضه این است که دل‌ها را جذب می‌کند و ما این را می‌خواهیم. آن وقت در این کار بزرگ، یعنی تشکیل چنین نظامی با این خصوصیات، قوای مختلف سهیم‌اند؛ قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مقننه همانطور که عرض کردیم تهیه‌کننده نرم افزار این حرکت عظیم است؛ ببینید چقدر مساله مهم است. قضیه این نیست که ما حالا توی فلان شهر با يك نفر دیگری مثل خودمان معارضه‌ای انجام دادیم و ما تبلیغاتی کردیم و او تبلیغاتی کرد و ما بالاخره بر او غلبه کردیم و آمدم توی این مجلس، توی این محوطه، روی این صندلی. قضیه اینها نیست، مساله خیلی بالاتر از اینهاست.

انسانی که وارد این عرصه می‌شود، مسئولیتی را قبول می‌کند که این مسئولیت يك مسئولیت خدایی و يك مسئولیت عمیق است. به معنای حقیقی کلمه مسئولیت است؛ یعنی "لتسئلنَّ یومئذ عن التَّعیم"؛ از شما سؤال می‌شود. مسئولیت دارید. این، اصل عرض ما به برادران و خواهران عزیز است و از خدا می‌خواهیم که شما را موفق بدارد. ما برای اینکه همین معنا تحقق پیدا کند، توصیه‌هایی در پیامی که خدمت شما دادیم، عرض کردیم که آنهم بر اساس تجربه این سال‌های طولانی با مجالس مختلف و با نمایندگان مختلف است. به نظر ما همین چند نکته‌ای که در آنجا عرض شد، نکات اساسی است که من حالا بعضی از آنها را در حدی که الان شما خسته نشوید و حوصله به خرج دهید، عرض می‌کنم.

* ولایت متعلق به خداست؛ پایه مردم سالاری دینی این است!

يك نکته را ما قبلاً به صورت زیربنایی مشخص کنیم که این قضیه نمایندگی از مردم در تفکر اسلامی، ریشه بسیار عمیقی دارد. قضیه این نمایندگی، قضیه پیروی کردن از عرف متداول دنیا و چون حالا در دنیا انتخابات هست، دمکراسی هست، ما هم برای اینکه از دنیا عقب نمانیم، نیست؛ مثل بعضی از این کشورهایی که می‌بینید يك صورت دمکراسی‌ای درست می‌کنند، يك چیزی به اسم مجلس تشکیل می‌دهند که هیچ حقیقتی هم ندارد یا همان جاهایی هم که حالا انتخاباتی هم هست، همینطور است؛ مبنای فکری ما از آن قبیل نیست. ما يك مبنای روشنی



داریم. در بینش اسلامی، ولایت متعلق به خداست؛ یعنی هیچ احدی بر دیگری ولایت ندارد؛ اینکه زیدی که بنده باشم، به عمروی که شما باشید، بگویند آقا شما باید آنجور که من می‌گویم عمل کنید؛ نه، این را در اسلام نداریم. هیچکس بر کس دیگری ولایت ندارد؛ ولایت مال خداست. اگر خدای متعال برای این ولایت مجرای مشخص کرد و روشن کرد، این مجرا می‌شود همان مجرای الهی و مورد قبول و قابل اتباع که این مجرا را خدای متعال مشخص کرده است؛ در اسلام مشخص شده است.

قانون و اجرا بایستی با معیارهای خدایی و با مقررات الهی باشد؛ یعنی با احکام اسلامی یا با احکام مشخص یا با کلیات و آنچه که از اسلام دانسته شده و فهمیده شده است، منطبق باشد و معارض نباشد. افرادی هم که مجری هستند، مشخصات و خصوصیات دارند؛ باید عادل باشند، فاسق نباشند - خصوصیات که در قانون اساسی ما متجسد شده - و قانون اساسی هم همان شکل اجرایی و دالان عبور به سمت آن چیزی است که ولایت الهی برای ما ترسیم می‌کند.

خوب، مساله اقلیت و اکثریت هم يك ضرورت است؛ اگر چه ما در اسلام به این صورت چیزی نداریم که آنجایی که آراء مختلف شد، اکثریت را بر اقلیت ترجیح دهیم، لكن يك چیز لا بدّ منه ای است که در مسائل گوناگون بشری پیش می‌آید. وقتی پنج نفر درباره يك چیزی تصمیم گیری می‌کنند، اگر سه نفر بر این امری که به سرنوشت پنج نفر ارتباط دارد اتفاق نظر کردند، آن دو نفر قاعدتا باید تسلیم بشوند؛ این هم يك چیز عقلایی روشنی است که اسلام اینها را تصویب و امضاء کرده است.

بنابراین ولایتی که امروز شما دارید - قانونگذاری، ولایت است - يك ولایت الهی است؛ ریشه در ولایت الهی دارد؛ برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی است. این مردم سالاری دینی که ما می‌گوییم، معنایش این است؛ یعنی نماینده مجلس شورای اسلامی از این طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، يك ولایتی پیدا کرده است که این شد يك تکلیف. بنابراین آنچه که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، برای من شخصی و نوعی واجب الاتباع است و بایستی بر طبق او عمل کنم. این مبنا، مبنای اسلامی است.

در نگاه افرادی که از این مبنای اسلامی دورند، وقتی که به مساله نگاه می‌کنید، می‌بینید تناقض و تهاافت زیاد است. يك روز که آراء مردم به نفع يك جماعتی باشد، آراء مردم اهمیت پیدا می‌کند، جمهوریت اهمیت پیدا می‌کند. "و ان یکن لهم الحقّ یأتوا الیه مذعنین"؛ اگر حق به جانب آنها داده بشود، حق را قبول می‌کنند و اگر يك روزی نگاه آن کسانی که صاحب حقند، یعنی آن مردمی که می‌خواهند این ولایت را طبق دستور قانون اساسی به يك شخصی تسلیم کنند - طبق همانچه که در قانون اساسی متخذ از کتاب و سنت تدوین شده - بر خلاف نظرشان بود، آن وقت اسم این آراء عمومی، اسم این جمهوریت، می‌شود عوام گرایی؛ توده گرایی! و شرح مبسوطی درباره غلط بودن نظر توده داده می‌شود که گاهی می‌بینید که در نوشته‌ها از فلان نویسنده قرن سوم - چهارم اسلامی گرفته تا فلان نویسنده مسلمان تا زمان ما؛ برتراند راسل و نمی‌دانم گوستاو لوبون درباره خطرات آراء عامه و تسلط عامه می‌نویسند که فلان کس اینجور گفت که نظر عامه اصلاً غلط است؛ خطاست! یعنی بکلی برمی‌گردد. "و إذا دعا إلى الله و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معروضون و إن یکن لهم الحقّ یأتوا الیه مذعنین"؛ اگر بگویند بیابید طبق شاخص کتاب و سنت عمل کنید - همان مبنایی که عرض کردیم - رو برمی‌گردانند، اما اگر چنانچه به نفع خودشان باشد، آن وقت اذعان می‌کنند؛ قبول می‌کنند! بعد قرآن می‌فرماید: "أ فی قلوبهم مرض أم ارتابوا أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله"؛ مرض دارند. مرض در اصطلاح قرآن - "فی قلوبهم مرض" - یعنی همان اهواء نفسانی که اراده انسان را تحت تسلط خودش قرار می‌دهد؛ این غیر از نفاق است. "فی قلوبهم مرض" يك مقوله دیگری است غیر از مقوله نفاق است که البته در مواردی به نفاق هم منتهی می‌شود. "أ فی قلوبهم مرض أم ارتابوا"؛ یا نه، شك کردند در مبنای اسلامی. "أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله"؛ می‌ترسند خدا و رسول به آنها ظلم کنند. حالا چرا اصل



حق و سخن حق را قبول نمی‌کنید؟ تفکر اسلامی این حرف‌ها را ندارد. تفکر اسلامی بر مبنای یک پایه محکم، برخاسته از ولایت الله، با شیوه مشخص و تدوین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی که خدای متعال به انسان‌ها حق داده که یک حقی را به کسی بسپرنند، بنا شده که بگویند آقا! شما بیا برای ما این کارها را انجام بده؛ مردم هم این حق را در آراء خودشان در مجلس، در ریاست جمهوری، در آن چیزهایی که به آراء مردم وابسته است، به افراد می‌دهند. بنابراین پایه مردم سالاری دینی این است؛ یعنی یک پایه اصیل و عمیق که حقیقتاً مورد اعتقاد است.

* دوستان روی قانون و نظارت خیلی وقت بگذارند!

آنچه که به نظرم می‌آید که خیلی مهم است، اینست که روی قانون و روی نظارت - که این دو موضوع اساسی وظایف مجلس هست - دوستان خیلی بایستی وقت بگذارند. قانون باید جامع باشد، باید کامل باشد، باید ماندگار باشد، باید کارشناسی شده باشد، باید گره گشا باشد، باید ناظر به مشکلات زندگی مردم باشد. نمی‌گوییم قانونی که برای کوتاه مدت یک گره ای را باز می‌کند، لازم نیست، چرا؛ بعضی از قوانین هست که یک گره کوتاه مدت را باز می‌کند، چاره ای هم نیست، بایستی این قانون گذاشته شود - اینجور قوانین هم داریم - لیکن طبع اکثری و طبیعی قوانین این است که ماندگار، قابل تطبیق با شرایط گوناگون، مفید، صریح، شفاف و غیر قابل تاویل باشد؛ در چارچوب همان حدود و اختیاراتی که قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی معین کرده است؛ اگر چنانچه در زمینه این اختیارات و این حدود بحثی وجود دارد، این بحث باید بیرون از محیط مجلس و در یک محیط میان قوه ای بحث شود. مواردی را ما دیدیم و پیش می‌آمد که مجلس آن را جزو حقوق خودش می‌دانست، قوه مجریه آن را جزو حقوق مجلس نمی‌دانست. خیلی خوب، این راه حل دارد. ما هم قانون اساسی داریم، هم خود قانون اساسی مفسر قانون اساسی را مشخص کرده، هم صاحب نظران و خبرگان حقوقی داریم؛ بنشینند این چیزها را مشخص کنند. در این چارچوب قانون بایستی صادر بشود و ماندگار، که یکی از اهمیت‌های قانون همین است که قانون هر روز با عوارض گوناگون تغییر پیدا نکند؛ یعنی قانونگذار ملاحظه خاطر جمعی مخاطب خودش را که مردم هستند، بکند. کسی می‌خواهد اقدامی بکند، کسی می‌خواهد سرمایه گذاری ای بکند، کسی می‌خواهد یک حرکتی انجام بدهد، کسی می‌خواهد یک رشته کاری را برای خودش انتخاب کند، خاطر جمع باشند که این قانون، قانونی نیست که امروز می‌آید، فردا با یک انگیزه دیگری عوض می‌شود.

* قانون تحت تأثیر نفوذ این و آن هم نباید قرار بگیرد

قانون تحت تأثیر نفوذ این و آن هم نباید قرار بگیرد. ما در مجالس قانون گذاری دنیا شنیدیم - شاید حالا یک مواردی هم در بین خودمان دیده شده است، نمی‌توانیم بکلی بگوییم نبوده است - که گاهی برای اینکه منفعت یک کسی یا یک کسان معدودی تامین بشود، با عجله تمام یک قانونی در یک مجلسی از مجالس دنیا گذشته است و بعد که آن غرض حاصل شده است، به فاصله مدت کوتاهی - چند ماه - آن قانون نسخ شده! از این قبیل موارد داشته ایم. خیلی بایستی مراقبت کرد که قانون تحت نفوذ افراد متنفذ قرار نگیرد. اینکه گفته می‌شود که در جمهوری اسلامی خوب است نمایندگان محترم در تبلیغات و در تلاش‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی شان کمک مالی از بعضی از مراکز دارای طمع قبول نکنند، به خاطر این است؛ چون بالاخره کمک کردن با طمع، مشکلات اینجوری را به دنبال سر می‌آورد. نماینده مجلس این استقلال را که قانون اساسی به او داده است، خدا به او داده است، این قدرت تصمیم گیری و انتخاب را خیلی باید اهمیت بدهد؛ این چیز مهمی است، چیز بزرگی است، این را نمی‌شود با چیزهای کوچک معامله کرد.

* نظارت مجلس بسیار لازم است

در مساله نظارت هم عرض کردیم، نظارت مجلس چیز بسیار لازمی است؛ حالا یا با همین ابزارهای نظارتی مثل دیوان محاسبات و از این قبیل چیزها، یا خود نمایندگان مستقیماً؛ مثل سئوال‌ها و تذکرها و از این چیزهایی که



ابزارهای نظارت مجلس شورای اسلامی است؛ این چیز خیلی لازم و خیلی مهمی است، منتها این وسیله ای نباید بشود برای معارضه دو نیرو با یکدیگر و بدانید - البته شماها می‌دانید، این گفتن ندارد - خیلی هستند که همت‌شان اینست که بین قوای کشور، بین جریان‌های تصمیم‌گیری در کشور نزاع و اختلاف و دعوا ایجاد کنند. ایجاد شکاف و رخنه در بافت یکپارچه فرماندهی کلی کشور - یعنی همین مجموعه قوای سه‌گانه که دارند بر امور کشور فرماندهی و حکمرانی می‌کنند - یکی از آرزوهای بزرگی است که سالهاست برای ضربه زدن و شکست دادن جمهوری اسلامی،

دشمنان جمهوری اسلامی دارند این نقشه اش را تعقیب می‌کنند. البته یکوقت علناً این حرف را می‌گویند؛ مثل اینکه یک روز یادتان هست که بحث حاکمیت دوگانه را صریحاً مطرح می‌کردند که دیگران می‌گفتند، یک عده ای هم اینجا طوطی وار آنها را در داخل تکرار می‌کردند. اصل قضیه مال عناصر بیرون بود، داخل هم از روی غفلت - واقعاً باید گفت بیشترین چیزی که بود، غفلت بود - همانها را تکرار می‌کردند. یکوقت هم نمی‌گویند، به زبان نمی‌آورند؛ مثل حالا که تصریح نمی‌کنند به این معنا، اما هدف این هست. ما نوبت این گزارش‌های خارجی، گزارش‌های مربوط به سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی، کارهایی که در بعضی از محافل نخبه سیاسی دنیا دارد می‌گذرد - که گزارش‌هایی می‌رسد - به خوبی رد پای این را داریم مشاهده می‌کنیم؛ بنا بر ایجاد اختلاف نباید بگذارید.

* مجلس هفتم حقا و انصافاً تلاش کرد تا بین دولت و مجلس اختلاف به وجود نیاید

یکی از چیزهایی که من واقعاً باید از برادران مجلس هفتم، بخصوص جناب آقای دکتر حداد عادل تشکر کنم - حالا آنچه که در بیرون منعکس است، ممکن است در مواردی جور دیگری باشد، اما ما در متن قضایا بودیم و حرف‌ها را از این طرف و از آن طرف می‌شنیدیم و تلاش‌ها را می‌دیدیم - این است که حقا و انصافاً تلاش زیادی در مجلس هفتم می‌شد برای اینکه نگذارند بین دولت و بین مجلس اختلاف به وجود بیاید؛ واقعاً تلاش و کار می‌شد. حالا بعضی از رسانه‌ها و مطبوعات و منبردارهای سیاسی بی‌انصافی‌هایی می‌کنند، لیکن حقیقت قضیه این است؛ اینکه ما می‌دیدیم و مشاهده می‌کردیم. البته از هر دو طرف - هم از طرف مجلس، هم از طرف دولت - واقعاً تلاش می‌شد که همکاری انجام بگیرد. بعضی‌ها هم نمی‌خواستند و نمی‌خواهند. باید روی این خیلی تکیه کنید، خیلی بر همکاری با دولت به عنوان یک اصل باید تکیه کنید. دولت مال شماسست، متعلق به شماسست؛ همان کاری را که شما می‌خواهید انجام بدهید، کمربسته‌ی آن کار قوه‌ی مجریه و دولت است. انصافاً دولت، دولت پرکاری هم هست. من در این دوره‌های بعد از انقلاب تا امروز، کمتر دوره‌ای را دیدم که این همه تلاش و کار و فعالیت متراکم در او وجود داشته باشد؛ با نیت‌های خوب. حالا گاهی در زمینه‌های گوناگون نظرات مختلفی هست؛ در مسائل سیاسی، در مسائل اقتصادی، که این نظرات مختلف را باید حتی المقدور سعی کرد در محیطی فارغ از هیاهو، فارغ از غوغاگری و غوغاسالاری، فارغ از تبلیغات، به هم نزدیکتر کرد.

حقیقتاً می‌توان سمنارهای کوتاه مدت دو روزه، یک روزه، فشرده، متراکم بین مسئولین اساسی مجلس و دولت تشکیل داد و نقاط مشترکی را پیدا کرد، در نقاطی هم که مختلف فیه باقی می‌ماند، "کلّ یعمل علی شاکلته" اشکالی ندارد. عرض کردیم که این جریانهای خروشان گوناگون وقتی وارد آن دریاچه‌ی امن و آرام ذکر الهی و ادای تکلیف شوند، آن جوش و خروش‌ها از بین خواهد رفت و همه با هم سازگار می‌شوند.

یک نکته‌ی دیگری که من لازم می‌دانم به برادرها عرض کنم - توی آن پیامی هم که خدمت دوستان فرستادم، روی این نکته تکیه کردم - این است که آقایان و خانم‌های نماینده سعی کنند مردمی بمانند. مردمی بودن هم فقط این نیست که انسان هر گاهی یک بار به محل انتخابات سر بزند. البته آن خیلی لازم است، باید رفت، سرزد، با مردم ملاقات کرد، منقطع از مردم نباید شد؛ در این شکی نیست؛ اما فقط این نیست!

* انگیزه‌های مادی جذابند، خطرناکند. پول چیز خطرناکی است عزیزان من!

نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک طبقه جدید، یک طبقه برخوردار اشرافی جدید. نباید بگذاریم



این کار انجام بگیرد. این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمی‌شود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است. انسان گاهی اوقات وارد یک می‌دانی می‌شود، پاک وارد می‌شود، لیکن ممکن است خدای نکرده پاک از آنجا بیرون نیاید. انگیزه‌های مادی جذابند، خطرناکند. پول چیز خطرناکی است عزیزان من!

ببینید امام سجاد (سلام الله علیه) در آن دعای مرزداران صحیفه سجادیه، که به مرزداران و سربازان و مجاهدان جبهه دعا می‌کند، از جمله‌ی دعاهايش این است که پروردگارا! یاد مال فتون را از دل این‌ها ببر. این تعبیر "فتون"؛ فتنه انگیز، فقط در مورد مال در این دعا به کار رفته؛ "المال الفتون". مال، فتنه انگیز است. فتنه همیشه به معنای فتنه در عرصه اجتماع نیست؛ بدتر از او، فتنه در عرصه دل انسان است. اگر راه دل‌بستن به پول و به زندگی و به تشریفات و به جاه و جلال و این‌ها را بر روی دل باز کردید، دیگر واقعاً حد یقف ندارد. و اصل قضیه هم همان طور که عرض کردیم، مراقبت از خود است. خودسازی و مراقبت از خود، اساس همه این کارهاست که می‌تواند ان شاءالله همه ما را هدایت کند و خدای متعال بایستی کمک کند.

* حتماً قرآن بخوانید؛ هر روز، ولو کم، ولو روزی یک صفحه

از خدای متعال بایستی کمک خواست، باید استغاثه کرد، باید به قرآن و دعا و تضرع پناه برد. من از جمله سفارش‌هایی که گاهی قبلاً هم به دوستان نماینده مجلس عرض کردم، به مسئولان دولت هم همین‌جور، این است که تلاوت قرآن را نگذارید از زندگی تان حذف شود. حتماً قرآن بخوانید؛ هر روز، ولو کم، ولو روزی یک صفحه؛ با تأمل و با دقت. اصرار ما بر این است که دوستان رابطه شان را با قرآن از دست ندهند. به آن ده دقیقه ای هم که در اول مجلس قرآن خوانده می‌شود، اکتفا نکنید.

گرچه حالا یک سنت خوبی هم در مجلس هفتم گذاشته شد که ترجمه قرآن هم خوانده می‌شود که کار مفید و شایسته ای است، لیکن به او اکتفا نکنید. قرآن درس است، قرآن موعظه است؛ ما همه به موعظه احتیاج داریم. موعظه معنایش این نیست که چیزی را که انسان نمی‌داند، همیشه به آدم بگویند؛ گاهی چیزهایی است که ما می‌دانیم، اما در شنیدن اثری است که در دانستن نیست؛ باید بشنویم و قرآن به ما می‌شنواند. "موعظة من ربکم". تعبیر وعظ و موعظه در قرآن مکرر به کار رفته است. قرآن موعظه است.

و دعا! دعا هم خیلی چیز مهمی است و به نظر من صحیفه سجادیه مبارکه یکی از بهترین ذخایر معنوی ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم. با این دعاها صحیفه سجادیه که هر کدامی یک بابی است، هر کدامی یک دنیای خاصی است، یک دریایی است و معارف را به انسان تعلیم می‌دهد، دل انسان را نرم می‌کند، خشوع را به انسان تعلیم می‌دهد، مأنوس باشید.

امیدواریم انشاءالله خدای متعال به شماها کمک کند. این دوران - همان‌طور که عرض کردیم - دوران کوتاهی است؛ امروز شروع شد، تا چشم به هم بزنید، تمام می‌شود. این چهار سال - مثل همه زندگی همین‌جور است - دوران کوتاهی است و زود می‌گذرد. خوشا به حال آن کسانی که از این دوران برای بعد خودشان، برای پرونده عمل خودشان و صحیفه عمل خودشان، انشاءالله استفاده کنند. می‌بخشید از اینکه یک قدری صحبت ما طولانی شد. انشاءالله که خسته نشده باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته